

## درس یازدهم

### « نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران »

یکم: نفت و اهمیت آن

۱-۱: کشف نفت به عنوان مهم ترین منبع تأمین انرژی تا کنون از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

۱-۲: کم تر صنعتی را می توان یافت که به نوعی به نفت و مشتقات آن وابسته نباشد. کشف نفت و تسلط بر آن

کشورهای استعمارگر را به خصوص به منافع نفتی خاورمیانه جلب کرده است.

۱-۳: دست یافتن کشورهای خاورمیانه به نفت از جمله ایران یا هر کشور دیگر سبب تحولات بنیادین در امور سیاسی

و اقتصادی و اجتماعی در کشورهای نفت خیز گردیده است.

دوم: « تاریخچه نفت - کشف و استخراج نفت ایران »

۲-۱: در زمان مظفردالدین شاه استخراج این طلای سیاه و مشتقات آن به مدت ۶۰ سال به یک سرمایه دار انگلیسی

به نام ( ویلیام ناکس دارسی) واگذار شد. (۱۲۸۰ شمسی - ۱۹۰۱ م)

۲-۲: تعهدات دارسی عبارت بودند از ۲۰ هزار لیبره نقد و ۲۰ هزار لیبره به صورت سهام و ۱۶٪ سود خالص سالانه را

به دولت ایران پرداخت کند.

۲-۳: حفاری های نفتی در سال ۱۹۰۸ در مسجد سلیمان به نفت رسید و خط لوله ای برای صدور و پالایش تا آبادان

کشیده شد. دولت انگلیس با خریداری ۵۱٪ سهام شرکت نفت « پارس - انگلیس » حق نظارت کامل بر پالایش -

استخراج و بهره برداری را از آن خود ساخت.

۲-۴: همین مسأله به اعمال نفوذ و مداخله بیشتر انگلیسیها انجامید و اختلافات ایران و انگلیس تا روی کار آمدن رضا

خان ادامه یافت.

۲-۵: رضا شاه امتیازنامه داری را یک طرفه لغو کرد که اختلافات بیشتری را برانگیخت. سرانجام با عقد قرارداد معروف ۱۹۳۳ - م سهم ایران اندکی افزایش یافت و مناطق جغرافیایی نفتی به جنوب ایران محدود گردید. اما در عوض ۳۰ سال به مدت قرارداد افزوده شد.

نکته: نام شرکت هم تغییر کرد و به شرکت نفت ایران و انگلیس تبدیل شد.

سوم: «اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰»

۳-۱: با اشغال ایران متفقین کنترل مستقیم راههای اصلی به خلیج فارس و مرزهای شوروی و حفاظت از چاههای نفت و تأسیسات آن را به دست گرفتند.

۳-۲: متفقین ضمن تأکید به اینکه در امور کشور ایران مداخله نخواهند کرد و تمامیت ارضی ایران را تضمین کردند و اعلام کردند در ظرف شش ماه پس از پایان جنگ ایران را ترک خواهند کرد.

۳-۳: با اشغال ایران و ادامه جنگ کمبود و گرانی مواد غذایی به خصوص نان در کل کشور به اعتراضات خیابانی انجامید.

۳-۴: محمد رضا شاه پهلوی در ابتدای سلطنت و ادای سوگند اعلام کرد که مطابق قانون اساسی عمل خواهد کرد «سلطنت کند نه حکومت» املاکی را که پدرش تصرف کرده بود در اختیار دولت گذاشت.

۳-۵: تا سال ۱۳۳۲ شاه فقط بر ارتش مسلط بود و قدرت اجرائی کشور در اختیار مجلس شورای ملی و هیأت دولت بود. در این دوره یعنی از (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) مطبوعات و احزاب به صورت گسترده فعالیت می کردند و نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اجتماعی داشتند.

چهارم: «زمینه های نهضت ملی شدن صنعت نفت» (سیاست موازنه منفی)

۴-۱: در دوران اشغال آمریکا و شوروی برای کسب امتیاز در خارج از محدوده قرارداد ۱۹۳۳-م با هم رقابت می کردند.

۴-۲: در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی به پیشنهاد «دکتر مصدق» طرحی را به تصویب رساند بدین گونه که هر نوع مذاکره و انعقاد قرارداد را به خصوص نفت بدون تصویب مجلس شورای ملی منع می کرد.

۴-۳: این مصوبه در حکم اتخاذ «سیاست موازنه منفی» یعنی ایستادگی در برابر امتیاز خواهی دولتهای سلطه جو بود و دقیقاً خلاف سیاست موازنه مثبت را تلقی می کرد.

۴-۴: اتحاد شوروی طبق وعده قبلی نیروهای خود را از ایران خارج نمی کرد و در صدد گرفتن امتیاز از ایران بود. قوام السلطنه نخست وزیر وقت طی موافقت نامه ای امتیاز نفت شمال را به شوروی واگذار کرد. اما نمایندگان مجلس نه تنها موافقت نامه را رد کردند بلکه واگذاری هرگونه امتیاز نفت به خارجی ها ممنوع می کرد.

پنجم: «اعتراض به قرارداد نفت جنوب»

۵-۱: پس از مخالفت اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی دولت ایران مکلف شد که برای احقاق حقوق ملی در موضوع نفت جنوب مذاکره کند. در داخل کشور هم اعتراض به قرارداد «۱۹۳۳-م\*۱۳۱۲ - ش» بالا گرفت و انتقاد از آن در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران آغاز گردید.

ششم: «جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی»

۶-۱: به دنبال مکلف شدن دولت به مذاکره با شرکت نفت ایران و انگلیس که می بایستی برای تأمین منافع ایران صورت می گرفت قرارداد الحاقی تدوین و امضاء شد «قرارداد گس - گلشایان»

۶-۲: با اینکه در قرارداد الحاقی سهم ایران اندکی تعدیل شده بود اما تأمین کننده منافع کشور ما نبود و لذا نمایندگان مجلس مانع از رأی گیری درباره آن شدند (زیر نویسی صفحه ۱۳۹ را بخوانید)

۶-۳: در مجلس شانزدهم اقلیتی از نمایندگان عضو جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق از تصویب قرارداد الحاقی جلوگیری کردند. در قرارداد «گس - گلشایان» با نادیده گرفتن حاکمیت ملی استقلال کشور نیز نقض می شد.

هفتم: « مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت »

۷-۱: با ردّ قرارداد الحاقی نمایندگان مجلس شانزدهم طرح ملی شدن صنعت نفت ایران را پیشنهاد دادند که با استقبال اقشار مختلف مردم و شخصیت های سیاسی و مذهبی روبرو شد.

۷-۲: آیت الله کاشانی که سابقه طولانی در مبارزه با انگلستان را داشت با جدیت تمام از جنبش ملی شدن صنعت نفت حمایت کرد و با انتشار اعلامیه ای این مبارزه را تکلیف دینی و وطنی شمرد.

۷-۳: در جبهه مخالف یعنی انگلستان و عوامل داخلی برای جلوگیری از حقوق ملت به تکاپو افتادند و از جمله سپهبد حاج علی رزم آرا نخست وزیر از سیاست انگلستان جانبداری می کرد و با ملی شدن صنعت نفت مخالفت می کرد.

هشتم: « تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت »

۸-۱: با اعدام انقلابی رزم آرا به دست خلیل طهماسبی یکی از اعضای فدائیان اسلام مهم ترین مانع بر سر راه ملی شدن صنعت نفت برداشته شد. مجلس شورای ملی (۲۴ اسفند ۱۳۲۹) و مجلس سنا (۲۹ اسفند ۱۳۲۹) طرح ملی شدن صنعت نفت را تصویب کردند.

۸-۲: پیروزی جنبش های ضد استعماری هندوستان و برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی در خیزش ملت ایران بر علیه دولت استعماری انگلستان و رهایی از تسلط بیگانگان به شمار می رود.

نهم: «نخست وزیری مُصدق و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت»

۹-۱: در ادريبهشت ۱۳۳۰ دکتر مصدق با حمایت گسترده عمومی و پشتیبانی قاطع آیت الله کاشانی به نخست

وزیری رسید او در اولین فرصت برای کوتاه کردن دست انگلیسی ها و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت اقدام کرد.

۹-۲: دکتر مصدق بلافاصله هیأتی را به ریاست مهندس مهدی بازرگان برای اجرای خلع ید به خوزستان

فرستاد.

نکته: اجرای این قانون نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران و مبارزه ضد استعماری ملت ایران برای رهایی از تسلط بیگانگان به شمار می‌رود.

دهم: «اقدامات انگلستان برای ممانعت از ملی شدن صنعت نفت»

۱-۱۰: انگلیسی‌ها برای جلوگیری از تصویب و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت به اقداماتی به شرح زیر دست زدند.

الف: تحریک کارگران صنعت نفت و عوامل خود به اعتصاب.

ب: فرستادن کشتی‌های جنگی به خلیج فارس برای تهدید نظامی.

ج: طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی

د: تهدید اقتصادی ایران از طریق شعب بانک انگلیس و تحریم خرید نفت ایران.

۲-۱۰: دولت دکتر مصدق برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی انگلستان برنامه اقتصاد بدون نفت را به اجرا درآورد. دولت دکتر مصدق و وکلای بین‌المللی و خود او که حقوق دان بود شخصاً در مجامع بین‌المللی حضور یافته و به دفاع از حقوق حقه ملت ایران پرداخت.

۳-۱۰: دو نکته: نکته اول: دفاع مستدل نخست وزیر و وکلای حقوقی ایران باعث شد که شورای امنیت - سازمان ملل متحد و سپس دیوان بین‌المللی لاهه به سود کشورمان رأی دادند.

نکته دوم: چون دولت انگلیس نسبت به درخواست ایران در مورد خسارات وارده به کشورمان پاسخی نداد، لذا ایران اقدام به قطع رابطه سیاسی با لندن کرد.

یازدهم: «قیام ۳۰ تیر»

۱-۱۱: دکتر مصدق برای کاستن قدرت و نفوذ دربار از محمد رضا شاه خواست که وزارت جنگ و ارتش را به او بسپارد. چون شاه با این تقاضا مخالفت کرد، مصدق از مقام خود استعفا کرد. شاه قوام السلطنه را مأمور تشکیل دولت کرد.

۱۱-۲: این اقدام با مخالفت آیت الله کاشانی روبرو شد و مردم را به مبارزه فراخواند او اعلام کرد «اگر قوام

کناره‌گیری نکند اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن می‌پوشم و با ملت در پیکار شرکت می‌کنم.»

۱۱-۳: با سرکوب تظاهرات مردم و تداوم آن قوام السلطنه استعفا کرد و دکتر مصدق دوباره به نخست وزیری

رسید و وزارت جنگ و فرماندهی نیروهای مسلح را به عهده گرفت و شاه را از برقراری ارتباط مستقیم با سفرای خارجی منع کرد.

دوازدهم: «بروز اختلاف و تفرقه در نهضت»

۱۲-۱: نهضت ملی شدن صنعت نفت با اتحاد و همبستگی کلیه اقشار ملت با همدلی و یگانگی دکتر مصدق و

آیت الله کاشانی به ثمر رسید. اما پس از قیام ۳۰ تیر شرایط تغییر کرد.

۱۲-۲: اسباب و عوامل اختلاف عبارت بودند از: غلبه روحیه لجباجت - خود محوری - قدرت طلبی - منفعت

جویی فردی و گروهی که نهایتاً به دشمنی تبدیل گشت.

نکته: در این مورد به اقدامات مخالفان - عوامل بیگانه داخلی - دولتهای خارجی به خصوص انگلستان و آمریکا

در شکست مردم و اتحادشان باید اشاره کرد.

سیزدهم: «کودتای ۲۸ مرداد»

۱۳-۱: تداوم اختلاف و نزاع میان دکتر مصدق و آیت الله کاشانی سبب گردید که دشمنان خارجی و عوامل

داخلی آنان بر تلاش خویش در سرنگونی دولت دکتر مصدق بیافزایند.

۱۳-۲: دکتر مصدق تصور می‌کرد که آمریکا در ماجرای نفت از ایران پشتیبانی می‌کند اما آمریکا که برای نفوذ

بیشتر در ایران می‌کوشید نه تنها از انگلستان جانبداری کرد با انگلستان در زمینه اجرای کودتا متحد شد.

۱۲-۳: آمریکا و انگلیس درباره سرنگونی دولت دکتر مصدق و انتصاب سرلشگر زاهدی به نخست وزیری به

توافق رسیده بودند. برای انجام کودتا به تلاش‌هایی چون ایجاد آشوب‌های خیابانی، به راه انداختن جنگ روانی علیه

مصدق در مطبوعات در دستور کار آنان قرار گرفت.

۴-۱۳: در داخل کشور اشرف پهلوی و ژنرال نورمن شوارتسکف با متقاعد کردن شاه با کودتا و ورود مأموران سیا و ملاقات با زاهدی مقدمات اجرای کودتا فراهم شد.

۵-۱۳: از یک سو حمایت‌های مالی و سیاسی آمریکا و انگلیس از عوامل داخلی و طرفداران شاه و دربار و از سوئی دیگر ارتش به فرماندهی فضل الله زاهدی مراکز مهم پایتخت و وزارت‌خانه‌ها تسخیر و دولت دکتر مصدق را سرنگون کردند.

۶-۱۳: پس از موفقیت کودتا دولت زاهدی اقداماتی به شرح زیر انجام داد:

الف: دکتر مصدق و یاران او دستگیر و سپس محاکمه شدند. احزاب و گروه‌های سیاسی و روزنامه‌های مخالف غیر قانونی اعلام و منحل شدند.

ب: دولت کودتائی حکومت پهلوی با انگلستان و آمریکا و چند کشور دیگر درباره مسأله نفت به توافق رسیدند و کُنسرسیومی با شرکت (آمریکا - انگلستان - فرانسه و هلند) تشکیل شد.

ج: بر اساس قرارداد کُنسرسیوم مقرر گردید که کُنسرسیوم به مدت ۲۵ سال تولید - فروش و بهره‌بردای نفت را در اختیار داشته باشد و در مقابل نیمی (۵۰٪) از سود خالص را به کشور ما بپردازد.

چهاردهم: «ادامه مبارزه پس از کودتا»

۱-۱۴: در رابطه با ادامه مبارزه گروهی از شخصیت‌های ملی و مذهبی و استادان دانشگاه «نهضت مقاومت ملی» را تشکیل دادند و با قرارداد جدید (کُنسرسیوم) به مخالفت پرداختند. آیت الله کاشانی نیز با این قرارداد (کُنسرسیوم) مخالفت کردند.

۲-۱۴: در روز ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در اعتراض به تجدید روابط با انگلیس و سفر ریچارد نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا در دانشگاه تهران تظاهرات کردند و سه تن از دانشجویان به شهادت رسیدند.

(به پاورقی صفحه ۱۴۵ توجه شود)